

Ṭayy al-Arḍ from a Religious and Mystical Perspective

Tahereh Mirzaee¹, Mohammad Mahdi Alimardi²

Seyed Mohammad Rouhani³, Amir Javan Arasteh⁴

(Received on: 2024-11-07; Accepted on: 2025-01-20)

Abstract

Islamic mysticism, as a path to uncovering absolute truth and tapping into the hidden capacities of humanity, manifests through the concepts of *ṭayy al-arḍ* (folding up of the earth or traversing the earth without moving) and *karāma* (divine grace) in the mystical journey. *Karāma* represents the manifestation of divine power and love, transcending extraordinary acts to symbolize the spiritual perfection and elevation of the human soul. *Ṭayy al-arḍ*, as a formal revelation, is an emblem of the mystical journey, allowing the transcendence of material boundaries and entry into realms of knowledge. These concepts are not intended to prove or explain the physical mechanics of *ṭayy al-arḍ*, but are viewed as outward expressions of spiritual growth, the manifestation of divine names in the hearts of mystics, and stages in the progression of human perfection. A review of religious, philosophical, and mystical texts clarifies the role of these elements in achieving unity of existence and spiritual evolution. Thus, *karāma* and *ṭayy al-arḍ* are seen as tools for a deeper understanding and connection to divine truth in the mystical life, leading to human perfection and proximity to God. Despite the prominence of these concepts, there has been little profound research on their philosophical and mystical foundations or their roles. This article aims to thoroughly examine the role of these concepts in the mystical journey and in attaining divine knowledge.

Keywords: Islamic mysticism, *karāma*, *ṭayy al-arḍ*, divine knowledge.

1. PhD student, Sufism and Mysticism, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (corresponding author). Email: taheremirzaei@yahoo.com

2. Associate Professor, Department of Religions and Mysticism, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. Email: alim5368@outlook.com

3. Assistant professor, Department of Religions and Mysticism, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. Email: m.rohani@urd.ac.ir

4. Assistant professor, Department of Religions and Mysticism, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. Email: javan@urd.ac.ir

طی الارض از منظر دین و عرفان

طاهره میرزایی^۱، محمد مهدی علیمردی^۲

سید محمد روحانی^۳، امیر جوان آراسته^۴

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱]

چکیده

عرفان اسلامی در جایگاه مسیری برای کشف حقیقت مطلق و بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهفته انسانی، از طریق طی الارض و کرامت در سلوک معنوی جلوه‌گر می‌شود. کرامت، تجلی قدرت و محبت الهی و فراتر از اعمال خارق‌العاده، بیان‌کننده کمال روحی و ارتقای معنوی انسان است. طی الارض نیز به مثابه مقام کشف صوری، نمادی از سیروسلوک عرفانی، امکان عبور از مرزهای مادی و ورود به قلمروهای معرفتی را فراهم می‌کند. این مفاهیم نه با هدف اثبات یا چگونگی عملکرد فیزیکی طی الارض، بلکه در جایگاه جلوه‌های ظاهری رشد معنوی، تجلی اسمای فعلی حق در قلب عارفان و مقامی از مراتب کمال انسانی نگریسته می‌شوند. بررسی متون دینی و حکمی و عرفانی، نقش این عناصر را در نیل به وحدت وجود و تکامل معنوی تبیین می‌کند. بنابراین کرامت و طی الارض ابزارهایی برای درک عمیق‌تر و اتصال به حقیقت الهی در زندگی عارفانه دانسته می‌شوند که به دستیابی به کمال انسانی و نزدیکی به خداوند منجر می‌گردد. با وجود شهرت این مفاهیم، تاکنون تحقیق ژرفی در رابطه با مبانی فلسفی، عرفانی و نقش آنها انجام نگرفته است. این نوشتار بر آن است تا نقش این مفاهیم را در سلوک عرفانی و رسیدن به معرفت الهی به طور جامع بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: عرفان اسلامی، کرامت، طی الارض، معرفت الهی

۱. دانشجوی دکتری تصوف و عرفان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول) taherehmirezai@yahoo.com

۲. دانشیار گروه ادیان و عرفان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران alim5368@outlook.com

۳. استادیار گروه ادیان و عرفان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران m.rohani@urd.ac.ir

۴. استادیار گروه تصوف و عرفان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران javan@urd.ac.ir

مقدمه

عرفان در اصطلاح دانشی از علوم الهی و موضوع آن معرفه الله است که از راه دل و تهذیب نفس و تزکیه باطن همراه با طهارت روح حاصل می شود (دهخدا؛ ذیل واژه عرفان). مولای عارفان امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «العارفُ مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا، وَ نَزَّهَا عَنْ كُلِّ مَا يَبْغُذُهَا وَ يُوْبِقُهَا» (محمّدی ری شهری، ۱۳۷۷ هـ. ش، ج ۷، ص ۱۹۱). عرفان شیعی با بهره گیری از متون مقدس و آموزه های پیامبران و اولیای الهی، راهی برای درک عمیق تر از وجود و هستی ارائه می دهد؛ این مسیر با تلفیق دانش و عشق، به دنبال ایجاد توازن میان عقل و دل است. عارفان با پیمودن این مسیر به تجربه های معنوی دست می یابند که فراتر از دانسته های عقلی و حسی است. این تجربه ها آنان را به سوی نوری هدایت می کند که سرچشمه همه حقیقت ها و معرفت ها است. این سنت عمیق و ریشه دار در پی کشف حقیقت و معنای جهان هستی از ظواهر عبور می کند و به بررسی در اعماق معنویت می پردازد؛ همچنین نه تنها به مسلمانان بلکه به تمامی کسانی که در جستجوی معنای والاتر زندگی هستند، راهی منحصر به فرد برای دستیابی به کمال انسانی، مملو از رموز و کرامات راپیش روی جویندگان حقیقت قرار داده است (قیصری، ۱۳۸۱ هـ. ش، ص ۶).

عرفان و تصوف به دنبال ایجاد تحولی درونی در انسان هستند. این تحول نه تنها به بهبود فردی و اجتماعی منجر می شود، بلکه به ایجاد جهانی پر از عشق، صلح و عدالت نیز کمک می کند. عارفان با پیروی از این راه، به دنبال رسیدن به وحدت با خداوند و درک عمیق تری از معنای زندگی هستند. جستار حاضر با تحلیل مبانی فلسفی و عرفانی طی الارض در جایگاه کرامت آغاز می شود و به بررسی نمونه هایی از متون عرفانی می پردازد که به این پدیده اشاره کرده اند. یکی از محورهای اصلی مقاله، تحلیل تجربه ها و تحولاتی است که در روند رشد باطنی سالکان الی الله رخ می دهد. این تجربه ها و تحولات نه تنها تأثیر عمیقی بر قدرت تصرف و سلوک عرفانی سالکان دارند، بلکه نشان دهنده مراحل مختلف طی طریق معنوی و دستیابی به کمالات انسانی است.

از اهداف کلیدی این پژوهش، فراهم آوردن مقدمه‌ای برای ورود به بحث‌های عمیق‌تر معنوی است. این نوشتار به تأمل در مفاهیم معنوی و ارتباط آنها با زندگی فردی و جمعی می‌پردازد و به مخاطب کمک می‌کند به درکی جامع‌تر از ارتباط خود با خداوند و جهان هستی دست یابد. این تحلیل‌ها و بررسی‌ها به خوانندگان امکان می‌دهد نقش عرفان در زندگی روزمره و تأثیرات آن بر رشد شخصی و اجتماعی را بهتر درک کنند. تحقیق کنونی مرجع و راهنمایی است برای درک بهتر مفاهیم عرفانی و فلسفی تشیع با بررسی دقیق و علمی موضوع طی الارض. این پژوهش مخاطب را به سفر درون و تأمل در ماهیت انسان و جهان دعوت می‌کند. درنهایت این نوشتار با تأکید بر اینکه عرفان نه تنها راهی برای دستیابی به معرفت الهی است، بلکه مسیری برای تحقق بخشیدن به ظرفیت‌های نهفته در وجود انسان نیز هست، پایان می‌یابد. نتایج و مفاهیم مطرح شده در این نوشته می‌توانند پایه‌ای برای بحث‌های بیشتر در زمینه عرفان و فلسفه باشند. این پژوهش به مخاطبان نگاهی جامع و عمیق به طی الارض و کاربردهای آن در رشد باطنی و سلوک عرفانی ارائه می‌دهد و آنها را در مسیر رسیدن به معرفت الهی یاری می‌کند.

۱. کرامات

کرامت در عرفان اسلامی مفهومی چندلایه و عمیق دارد که از واژه «کرم» مشتق شده است. این واژه به معنای جود و سخاوت به خداوند و به معنای شرافت و اخلاقیات عالی در انسان است (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۶۴، ص ۲۸۳). هرچند واژه «کرم» به طور مستقیم در قرآن نیامده است، مشتقات آن تقریباً پنجاه مرتبه در این کتاب مقدس ذکر شده‌اند. «کریم» از جمله از نام‌های خداوند است که در قرآن به آن اشاره شده است.

۱-۱. کرامت در قرآن

در قرآن کریم خداوند به تکرار به شأن و منزلت انسان اشاره می‌کند و او را موجودی دارای کرامت معرفی می‌نماید (روم ۳۰: ۳۰). امام علی (ع) کرم را معدن خیر و نیکی‌ها می‌داند (ابن منظور، ۱۴۱۴هـ، ج ۱۲، ص ۵۱۰) و نتیجه کرامت را در طاعت و بلندی همت بندگان می‌بیند (القمی، ۱۴۰۴هـ، ج ۲، ص ۳۴۶). قرآن کریم اعطای کرامت به انسان را رزق معنوی و ملاک فضیلت و برتری انسان می‌داند (اسراء ۱۷: ۷۰).

۲-۱. کرامت در عرفان شیعی

کرامت مفهومی محوری در عرفان ناب شیعی است که نقش مهمی در تقویت ایمان و اعتقاد سالکان به مسیر الهی دارد و در جایگاه راهنمایی برای رسیدن به کمالات انسانی و اتصال به حق تعالی عمل می‌کند. انسان در عرفان شیعی، موجودی مطرح می‌شود که توانایی تجلی اسمای الهی را دارد. عارفان معتقدند وجود، مظهر خیر است و انسان تجلی‌گاه خیر در آفرینش است. ابن عربی می‌گوید: «الکریم الجامع لانواع الخیر والشرف والفضائل»؛ این کرامت نه تنها به معنای تجلی قدرت الهی در جهان مادی است، بلکه راهنمایی برای عارفان در مسیر سلوک معنوی است (ابن عربی، ۱۳۵۶هـ، ج ۲، ص ۲۳۱).

۳-۱. کرامات و نقش آنها در عرفان

کرامت و کمال انسان از مفاهیم محوری در عرفان شیعی هستند و در جایگاه نشانه‌هایی از قدرت الهی، نقش مهمی در این حوزه دارند. کرامت را در دو ساحت معنا می‌کنند: الف) در حیطه عمل عارف و ظهور قدرت خارق العاده از او؛ ب) در توجه به عنایات خاص حق تعالی بر بنده، وقتی سالک از فیض الهی در دنیا و آخرت بهره‌مند می‌شود (خمینی،

۱۳۹۱ هـ.ش، ص ۱۶۷). کرامات به مثابه نقشه راه و سفری باطنی به معنای پیشروی در طریقتی است که فرد عارف را به سوی کمالات انسانی و درنهایت پیوند به حق تعالی می برد. این جلوه های فوق العاده نه تنها نشانه هایی از حضور و مدد الهی هستند، بلکه ابزاری برای تقویت ایمان و اعتقاد سالکان به مسیری است که در پیش گرفته اند.

۱-۳-۱. نقش کرامات در تعالی روحانی

کرامات در عرفان، مظاهر تجلیات حق تعالی در وجود عارف دانسته می شوند. این تجلیات زمانی در وجود عارف ظاهر می شوند که قلب او به کمال خشوع و تسلیم در برابر خداوند برسد. زمانی که خداوند بر بنده اش اراده خیر کند، دیده نهانی او را باز می کند و این کرامت برتر همان معرفت نفس است (ملکی تبریزی، ۱۳۸۵ هـ.ش، ص ۳۱). پدیده های خارق العاده به عارفان کمک می کنند از محدودیت های مادی فراتر روند و به مراتب بالاتری از شناخت و کمال دست یابند؛ «کرامته التي اکرم الله العباد بطاعتنا». قاضی سعید قمی معتقد است هنگامی که عارف به درجه اصحاب کرامت برسد، اسرار ملکوت برایش گشوده می شود و اینها از اسرار عبودیت و بندگی خالصانه است (قمی، ۱۳۳۹ هـ، ص ۶).

۲-۳-۱. نقش کرامات در ولایت و سلطه بر نفس

کرامات نشان دهنده توانایی های فراتر از حدود طبیعی و بیان کننده مرحله ای از ولایت و سلطه بر نفس و جهان هستی هستند. به عبارتی دیگر کرامات ها به عارفان می آموزند که چگونه می توانند با تصرف معنوی در جهان مادی، به شناخت عمیق تری از حقیقت و الهی بودن دست یابند (شاذلی، ۱۴۳۱ هـ، ص ۱۶۶). محیی الدین ابن عربی معتقد است کرامات زمانی در وجود عارف ظاهر می شود که قلب او به کمال خشوع و تسلیم در برابر خداوند برسد. این تجلیات بدون اینکه عارف به دنبال آنها باشد، در وجود نیک و خالص او نمایان می گردند (ابن عربی، [بی تا]، ج ۲، ص ۳۶۹).

۴-۱. انواع کرامات

کرامات در عرفان اسلامی به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: الف) کرامات‌های حسی؛ ب) کرامات‌های معنوی. هر کدام از این دسته‌ها دارای ویژگی‌ها و اهمیت خاصی هستند که در ادامه به تفصیل شرح داده می‌شوند.

۴-۱-۱. کرامات حسی (صوری)

کرامات حسی به پدیده‌های خارق‌العاده‌ای اشاره می‌کنند که با حواس پنج‌گانه درک‌شدنی هستند و بیشتر مورد توجه عموم مردم قرار می‌گیرند. این نوع کرامات دربردارنده موارد زیر است:

- * ذهن‌خوانی: توانایی ارتباط ذهنی با دیگران بدون استفاده از کلمات؛
 - * خبرگرفتن از کائنات و غیب‌گفتن: آگاهی از وقایع آینده یا اطلاعات مخفی؛
 - * راه‌رفتن بر روی آب: توانایی حرکت بر روی سطح آب بدون غرق شدن؛
 - * عبور از هوا و طی الارض: جابجایی سریع و غیرعادی از مکانی به مکان دیگر؛
 - * ناپدیدشدن از دیدگان: توانایی نامرئی شدن؛
 - * اجابت دعا در همان لحظه: تحقق فوری دعای فرد.
- این کرامات برای عموم مردم نشانه‌های آشکاری از وجود ولیّ خدا هستند و نشانه‌های قدرت و فضل الهی دانسته می‌شوند.

۴-۱-۲. کرامات معنوی

کرامات معنوی و باطنی که بین خواص اهل‌الله شناخته شده‌اند، از کرامات حسی بالاتر و شریف‌تر هستند. این نوع کرامات ویژگی‌ها و اعمالی را دربر می‌گیرد که به کمالات روحی و اخلاقی انسان اشاره دارند و به شرح زیر هستند:

* حفظ آداب شریعت: بنده آداب شریعت را حفظ می‌کند؛

* توفیق رعایت اخلاق نیکو و اجتناب از اخلاق بد: توانایی انجام اعمال نیکو و دوری از صفات مذموم؛

* حفظ واجبات و سنت‌ها در وقت‌هایشان: انجام واجبات دینی و سنت‌های پیامبر در زمان‌های مقرر؛

* شتاب به سوی کارهای خیر: تمایل و سرعت در انجام اعمال نیک؛

* زدودن کینه، حسد و حقد از دل: پاک کردن قلب از صفات منفی و ویران‌کننده؛

* پاکی قلب از هر صفت مذموم: تزکیه قلب از صفات ناپسند؛

* تزئین قلب به مراقبت و توجه به حقوق خداوند: توجه به حقوق الهی؛

* مراقبت از نفس‌ها در ورود و خروج: کنترل نفس‌ها به گونه‌ای که با ادب وارد شوند و با حضور قلب با خداوند خارج شوند.

کرامت‌های معنوی نشان‌دهنده عمق و کمالات روحی و اخلاقی فرد هستند و تنها خواص اهل الله به این مراتب دست می‌یابند. این کرامت‌ها نه تنها نشانه‌های قدرت الهی هستند، بلکه در جایگاه راهنمایی برای رسیدن به کمالات انسانی و پیوند به حق تعالی عمل می‌کنند (الشعرانی، ۱۴۱۸ هـ، ج ۲، ص ۴۹۵).

کرامت‌ها نباید با معجزات پیامبران یا خرق عادت‌هایی که از سوی شیاطین انجام می‌شود، اشتباه گرفته شوند؛ زیرا کرامت‌های واقعی تنها با اذن و شناخت و معرفت الهی رخ می‌دهند و نه به واسطه قدرت‌های غیرالهی. ابن عربی به این نکته اشاره می‌کند که توانایی‌های ظاهری مانند طی الارض بنفسه ارزشمند نیستند؛ زیرا ابلیس نیز می‌تواند در یک لحظه از مشرق به مغرب برسد،^۲ اما این کار او را نزد خداوند مقامی نمی‌بخشد و چنین کارهایی ظاهری به‌تنهایی نمی‌توانند نشان‌دهنده کرامت واقعی باشند (ابن عربی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۶۹).

ما عاشق مستیم کرامات چه باشد	ما باده پرستیم مناجات چه باشد
ما همدم زندان سراپرده عشقیم	در مجلس ما حالت طامات چه باشد
گفتیم چنان است چنین بود که گفتیم	این نیست کرامات، کرامات چه باشد
ما عاشق مستیم ز جام می و وحدت	خود کثرت معقول خیالات چه باشد
چون گوشه ما خلوت میخانه عشق است	با منزل ما راه و مقامات چه باشد
ای زاهد سجاده نشین کعبه کدام است	وی عاشق سرمست خرابات چه باشد
سید چو همه اوست چه پیدا و چه پنهان	احول بدایات و نهایت چه باشد

(نعمت الله ولی، ۱۳۸۰ هـ.ش، ص ۲۹۵).

۲. طی الارض

طی الارض از مفاهیم جذاب و پیچیده‌ای است که در ادیان و مکتب‌های مختلف مشاهده می‌شود. این پدیده به معنای عبور از مسافت‌های دوردست در لحظه‌ای چشم‌به‌هم‌زدن است؛ همچنین نشان‌دهنده قدرتی است که فراتر از مرزهای زمان و مکان، روح بشری را به سیر در افق‌های ناپیدا فرا می‌خواند. در بسیاری از ادیان و فرهنگ‌ها، طی الارض یک توانایی فوق طبیعی شناخته می‌شود که به افراد خاصی اعطا می‌گردد.

۱-۲. بررسی طی الارض در متون قرآنی و روایات

طی الارض به معنای حرکت سریع و فراطبیعی در قرآن کریم به روشنی مشاهده می‌شود. اگرچه این واژه به طور کامل در متن قرآن نیامده است، برخی از داستان‌های قرآنی به این پدیده اشاره دارند.

۲-۱-۱. بررسی قرآنی

الف) نقل تخت بلقیس: در داستان حضرت سلیمان و ملکه سبا، آصف بن برخیا با استفاده از دانشی که از کتاب داشت، تخت بلقیس را در چشم برهم زدنی با پیچیده شدن زمین به حضور سلیمان آورد. خداوند در این باره می‌فرماید: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ: کسی که دانشی از کتاب داشت، گفت: من آن را پیش از آنکه چشم خود را برهم زنی، برای تو می‌آورم» (طباطبایی، ۱۳۷۴ ه. ش، ج ۱۵، ص ۵۲۷ - ۵۲۸).

ب) سیر شبانه پیامبر (ص): معراج پیامبر اکرم (ص) از مسجد الحرام به مسجد الاقصی نیز نمونه‌ای از طی الارض دانسته شده است. این آیات نشان‌دهنده قدرت انسان‌هایی است که دارای علم کتاب هستند و توانایی انجام کارهایی مانند طی الارض را دارند.

۲-۱-۲. بررسی روایات اسلامی

طی الارض در روایات اسلامی به تکرار بیان شده و یکی از کرامات امامان معصوم (ع) شناخته می‌شود.

الف) امام علی (ع): امام علی (ع) در کوتاه‌ترین زمان ممکن فاصله‌های زیادی را پیموده است (مجلسی، ۱۴۰۴ ه. ش، ج ۴۲، ص ۸۴).

ب) امام حسین (ع): بدن مبارک امام حسین (ع) بعد از حادثه به طور معجزه‌آسا به مدینه بازگردانده شد (بحرانی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۴۶۴).

ج) امام محمد باقر (ع): امام باقر (ع) به شاگردان خود کرامت‌هایی از جمله طی الارض را نشان دادند (حر عاملی، ۱۴۰۹ ه. ش، ج ۱، ص ۲۲۳).

د) امام صادق (ع): امام صادق (ع) با قدرت الهی و به وسیله طی الارض در یک شب فاصله ای عظیم را پیموده است (کلینی، ۱۴۰۷ هـ، ج ۱، ص ۵۱۶). همچنین روایاتی از امام صادق (ع) نقل شده است که از نشانه های هنگام ظهور قائم را رخداد طی الارض بیان می کند. زمین زیر پای امام عصر و یارانش پیچیده می شود و کمتر از چشم برهم زدن در مکه حاضر می شوند؛ «هوالذی تطوی له الارض» (شیخ صدوق، ۱۳۹۵ هـ، ج ۲، ص ۳۷۲). ه) امام رضا (ع): از ایشان نقل شده است: «فیصیر الیه شیعه من اطراف الارض تطوی لهم»؛ وقتی فرزندم مهدی (عج) قیام کند، یاران از اطراف جهان، مشرق و مغرب عالم را شتابان به سوی او درمی نوردند و در محل خانه خدا گرد هم می آیند و با او بیعت می کنند (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ هـ، ج ۲، ص ۲۶۳).

و) امام جواد (ع): ایشان از مدینه به خراسان برای مراسم تجهیز امام رضا (ع) طی الارض داشت؛ همچنین نجات فردی زندانی، رهایی اباصلت و انتقال وی به هرات و... از ایشان نقل شده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۰ هـ.ش، ص ۲۱۵ - ۲۱۶؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱ هـ.ش، ص ۴۸۶).

۳. طی الارض از دیدگاه فیلسوفان مسلمان

مفهوم طی الارض تأثیرات عمیقی بر فلسفه داشته است و به بحث هایی درباره ماهیت زمان و مکان، امکانات و محدودیت های انسان و رابطه بین جسم و روح منجر شده است. فیلسوفان کوشیده اند با بررسی این مفهوم، به درک بهتری از ماهیت واقعیت و چگونگی تعامل انسان با جهان پیرامونش برسند. آیا زمان و مکان واقعیت های مطلق هستند یا تنها تصورات ذهنی ما؟ آیا انسان می تواند از محدودیت های فیزیکی خود فراتر رود و به سطوح بالاتری از وجود دست یابد؟ از نظر علمی هم طی الارض در جایگاه یک ایده آل متافیزیکی،

به تحقیقات در زمینه‌هایی مانند فیزیک کوانتومی و نظریه‌های اطلاعاتی انگیزه داده است. در فیزیک کوانتومی، مفاهیمی مانند تلپورتیشن کوانتومی و ارتباطات فرازمانی با نوعی به طی الارض شباهت دارند. این تحقیقات به دنبال شکستن محدودیت‌های فیزیکی و دستیابی به فهمی عمیق‌تر از جهان هستند. تلپورتیشن کوانتومی به انتقال اطلاعات بین دو نقطه بدون نیاز به عبور از فضای بین آنها می‌پردازد. در ادامه با توجه به محدودیت این نوشتار به بررسی دیدگاه‌های بعضی از فیلسوفان مسلمان به اختصار می‌پردازیم که خود عارفانی وارسته بودند.

۳-۱. ابن سینا (۹۸۰ - ۱۰۳۷ م)

او یکی از برجسته‌ترین فلاسفه و دانشمندان جهان اسلام است که در تاریخ علم و فلسفه جایگاه ویژه‌ای دارد. او نه تنها در زمینه‌های پزشکی و فلسفه، بلکه در بررسی پدیده‌های فراطبیعی نیز نقش برجسته‌ای ایفا کرده است. ابن سینا با دیدگاهی علمی و فلسفی به تحلیل پدیده‌ها می‌پردازد و می‌کوشد ارتباط میان روح و ماده را توضیح دهد. آثار او به ویژه کتاب الشفا و اشارات و تنبیهات نشان‌دهنده عمق تفکر و تحلیل‌های دقیق او در این باره هستند^۳ (ملکشاهی، ۱۳۹۲ ه.ش، ص ۴۳۹).

ابن سینا در بررسی پدیده‌های فراطبیعی، به دنبال یافتن توضیحاتی علمی و فلسفی برای این پدیده‌ها بوده است. او معتقد است این پدیده‌ها می‌توانند نتیجه تمرین‌های روحی و معنوی باشند و کوشیده است با استفاده از مفاهیم فلسفی و علمی، به اثبات این پدیده‌های معنوی بپردازد. او به بررسی دقیق و جامع قوا و نفس می‌پردازد و نشان می‌دهد ادراک‌های بشری ذاتی هستند و در جوهر ذات آدمی قدرت ظهور کرامات و مشاهده و کشف غیب وجود دارد^۴ (ملکشاهی، ۱۳۹۲ ه.ش، ص ۴۸۱).

او در شرح تأثیر انقطاع از شواغل مادی و حسی فرد، بر تقویت هوش و بصیرت و ادراک می‌پردازد و معتقد است انقطاع می‌تواند منجر به آشکارشدن حقایق پنهان برای عارف مخلص شود. او در نمط دهم کتاب اشارات و تنبیهات، ابزار و اسباب خوارق عادات را به تفصیل شرح می‌دهد و آنها را بر مجرای طبیعی و از خواص قوای نفس ذکر کرده است^۵ (ملکشاهی، ۱۳۹۲ ه. ش، ص ۴۸۵ - ۴۸۸).

۳-۲. حکیم سهروردی (۱۱۵۴ - ۱۱۹۱ م)

سهروردی فیلسوف و عارف بزرگ شیعه، نظریه‌ای متفاوت درباره طی الارض ارائه می‌دهد. وی معتقد است این پدیده نتیجه ارتقای روح است و ارتباط مستقیم با عالم نور و حقیقت الهی دارد. سهروردی باورمند است فرد برای دستیابی به چنین توانایی‌هایی، باید به درجه اعلایی از تزکیه نفس و سلوک عرفانی برسد. او طی الارض را نشانگانی از تسلط روح بر ماده و نمود قدرت‌های فراطبیعی انسان و داشتن ظرفیت محبت و عشق معرفی می‌کند. وی در رسائل خود به‌ویژه در بخش‌هایی از حکمة الاشراق به نفس و عالم انوار می‌پردازد و توضیح جامع و روشنی در این باره دارد (سهروردی، ۱۳۷۵ ه. ش، ص ۵۰۵). حکیم عارف سهروردی برای شرح این مقام به تبیین قوای نفس و تأثیر آن اشاره می‌کند و وی تأکید دارد نفس انسان توانایی فراتر رفتن و تبدیل و یکی شدن را دارد و قوه محرکه در نفوس اهل طهارت و ریاضت و کرامت، نه تنها مایه سیر از عالم جسمانی و عروج و اتحاد با انوار قدسی است، بلکه قادر است در افراد دیگر نیز اثرگذار باشد (سهروردی، ۱۳۸۰ ه. ش، ج ۲، ص ۲۱۳).

شهاب‌الدین یادآوری می‌کند آدمی ظرفیت و توان مشاهده انوار عالم اعلی را دارد. وقتی عارف با تهذیب نفس سعی و تلاش در راه حق کند، نتیجه و ثواب جهادش پاره‌شدن پرده‌های ظلمت

و جهل و مشاهده علم خواهد بود؛ همچنین سالک در ظل پاکی بدل به جوهر مجرد نورانی گردد و قدرت دارد تا در هیولای عالم اثر کند (سهروردی، ۱۳۸۰ هـ.ش، ج ۴، ص ۱۲۲).

۳-۳. صدر المتألهین، ملاصدرا (۱۵۷۱ - ۱۶۴۰ م)

ملاصدرا فیلسوف نام‌آور شیعه گرچه به صراحت از پدیده طی الارض ذکری ندارد، مراحل سیر سالک و چگونگی حرکت وجودی عارف در سفر الی الله و توانمندی روح در وصال حق را تبیین می‌کند. وی کرامت و قدرت‌های فراطبیعی را امری وجودی می‌داند که در سفر الی الله امکان ظهور آن برای سالک میسر است. ملاصدرا این پدیده را نتیجه اتحاد نفس با عقل فعال و ایجاد ارتباطی مستقیم با عالم غیب می‌داند. او باور دارد نفس انسان به واسطه تمرین‌های معنوی و ریاضت‌های روحی، قادر به دستیابی به توانایی‌هایی است که می‌تواند بر ماده اثرگذار باشد. وی در اسفار اربعه به‌ویژه در بخش‌هایی که به قوه خیال و رابطه آن با عالم ملکوت می‌پردازد، به بررسی دقیق و فلسفی این موضوع پرداخته است. ملاصدرا به آثار ادراک فقر وجودی و قابلیت پذیرش اسمای الهی در این مسیر توجه می‌کند و می‌گوید: «آدمی به دلیل فقر وجودی که دارد، هر میزان به منبع لایتناهی نزدیک شود، به صفات حق متصف می‌شود». وی با تأکید بر این مهم که کرامت امری وجودی و حقیقی و ذاتی و ذومراتب است، مراحل را در سفر روحانی طی می‌کند (صدر المتألهین شیرازی، ۱۳۸۱ هـ.ش، ص ۳۶).

وی در اسفار اربعه از کمال طلبی انسان به مراحل تحول وجودی و سیر تکاملی انسان در طی طریق توجه خاصی می‌کند. حکیم شیرازی داشتن صبغه و رنگ الهی «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ صِبْغَةَ» (بقره ۲: ۱۳۸) و قابلیت باطنی و داشتن ظرفیت را شرط اوج‌گرفتن در مسیر الی الله و رسیدن به کمال برشمرده است (صدر المتألهین شیرازی، ۱۳۸۱ هـ.ش، ص ۳۸). وی بالاترین مرتبه سعادت و کرامت را قرب الهی می‌داند و بر این

مطلب تأکید می‌کند که مقام اسمای حق تعالی به یقین در وجود آدمی محقق می‌شود (صدرالمتألهین شیرازی، ۱۳۶۸ ه. ش، ج ۸، ص ۲۵۵).

۴. طی الارض در نگاه عارفان

«طی الارض» در عرفان اسلامی به معنای نوردیدن زمین، نوعی کرامت که به جای گام برداشتن و رفتن، «زمین» در زیر پای آدمی به تندی پیچیده شود و او به مقصد خویش هر چند دور باشد، در مدتی بسیار کم رسد. طی الارض در نظر مردم از کرامات اولیای الهی و عارفان مخلص به شمار رفته است و انبیای الهی (آملی، ۱۴۲۶ ه. ص ۸۵) و ائمه هدی (ع) (مجلسی، ۱۴۰۳ ه. ج ۵۵، ص ۲۲۱) در طول تاریخ به این کرامت شهرت داشته‌اند (حسینی طهرانی، ۱۴۲۳ ه. ج ۱۰). بنابراین طی الارض را می‌توان پیمودن زمین در چند لحظه عنوان کرد.

طی الارض یکی از مفاهیم ژرف و اسرارآمیز در عرفان و تصوف است که به تجلی قدرت‌های معنوی و اسمای الهی در وجود عارف اشاره دارد. توانایی خاص روحانی در متون مختلف عرفانی و ادبیات شیعی مورد اشاره قرار گرفته است. این مفهوم غالباً در آثار صوفیان بزرگ و عرفای اسلامی آمده است و نشانه‌ای از کمال روحانی و تسلط بر خواسته‌های نفسانی برای خدمت و راهنمایی خلق در مسیر تقرب الهی در نظر گرفته شده است؛ نمادی از ارتباط عمیق و بی‌نظیر عارف با نیروهای ماوراء طبیعی و توانایی‌های فراتر از حدود معمول است. عارفان مسلمان، جهان هستی را عالم صغیر و فرد را عالم کبیر می‌دانند؛ تعبیری برگرفته از شعری منسوب به حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) «اتزعم انک جرم صغیر و فیک انطوی العالم الاکبر». بر اساس این دیدگاه، انسان‌ها به صورت خدا آفریده شده‌اند: «خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ» (تغابن ۶۴: ۳) و دارای ذات مقدسی (روح) هستند که او را به خالق خود پیوند می‌دهد. هر فردی درون خود دارای جرقه‌ای از الوهیت و عارف منعکس‌کننده صفات الهی است (ص ۳۸: ۷۲؛ روم ۳۰: ۳۰).

۴-۱. تجلی اسم حق بر دل عارف

اسمای الهی همچون کلیدهایی به دروازه‌های مقامات عرفانی، عارف را در رسیدن به مراتب بالای معنوی یاری می‌دهند. فرد در این مسیر ممکن است با تجلیات مختلف خداوند مواجه شود؛ تجلیاتی که بسته به مقام و رتبه‌ای که فرد در حضور الهی دارد، متفاوت و متنوع است. اما اهمیت اصلی این است که فرد در این مسیر به شهود و مشاهده حقیقتی از وجود دست یابد و به حقیقت وجودی خداوند نزدیک‌تر شود. این تجلیات، انسان را به سوی کمال وجودی و نزدیکی به خداوند هدایت می‌کنند و اهمیت روحانیت و معنویت را در مسیر تکامل انسانی تأکید می‌کنند. در نهایت طی الارض نمادی از سفر روحانی عارف به سوی حقیقت مطلق و اتحاد با ذات الهی است؛ سفری که در آن هر گام به سوی نور و معرفت الهی برداشته می‌شود.

ابن عربی باورمند است کرامات در نگاه مردم به دلیل اینکه علمی به حقایق ندارند، امری خارق العاده هستند؛ درحالی‌که کرامت‌های واقعی نشانه‌هایی از علم و معرفت الهی هستند که به انسان‌های صالح اعطا می‌شوند و به قدرت‌های حسی و مادی محدود نمی‌شوند. وی طی الارض را از کرامات و کشف صوری می‌داند و آن را حاصل تجلی اسم خاص حضرت حق (البرّ) برمی‌شمرد که به اراده الهی بر قلب عارف ظهور می‌کند. به نظر محیی‌الدین وقتی قلب عارف خاشع شود، قابلیت ظهور نور اسما و صفات الهی در او پدیدار و کرامات الهی در وجود سالک نیک و خالص متجلی می‌گردد (ابن عربی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۶۹). شیخ اکبر در فص آدمی از تجلی اسمای الهی، درباره رسیدن انسان به کمال مطلوب سخن گفته است: «آدمی به اعتبار مظهریت کمال یافته و تام مقام و منزلت جانشینی خداوند از صفات الهی بهره‌مند می‌گردد». باور او بر این است هر صفتی که حق دارد، انسان نیز نظیر و مانندی دارد (ابن عربی، ۱۳۷۰هـ.ش، ص ۵۵).

قیصری (۱۳۶۱ ق) فیلسوف، عارف و شارح برجسته ابن عربی نیز در رسائل خود کرامت را

نتیجه تجلی اسمای جمالی حق تعالی می‌داند. وی معتقد است با تجلی صفات الهی، خضوعی در وجود عارف پدیدار می‌شود که تسلیم اراده حق تعالی می‌شود، مستحق دریافت فیوضات ربانی می‌گردد، پرده‌های حجاب کنار می‌رود و به قدرت تصرف ملکی و ملکوتی می‌رسد. «هرجا صفات جمال باشد، صفات جلال در آن مستور است و اینکه منشأ تمامی صفات باری تعالی به ذات حق تعالی برگشت دارد. در اثر هیبت و کبریا، وجود سالک خاضع گردد؛ "اذا تجلی ربنا علی شیء خضع له"، مستعد دریافت فیض اقدس شود، از سلطه و احاطه کامله برخوردار شود» (قیصری، ۱۳۸۱ ه.ش، ص ۶۰).

روzbهان بقلی شیرازی (۵۲۲ - ۶۰۶ ه.ق) در عبهر العاشقین به شرح مفاهیم عمیق عرفانی می‌پردازد و توانایی‌های روحانی را نتیجه ریاضت، تلاش و عبادت می‌داند. وی این قدرت را محصول ریاضت و تلاش و مجاهدت و عبادتی می‌داند که پروردگار برای پاداش اعمال به عارف عنایت کرده است (بقلی شیرازی، ۱۴۲۸ ه.ج ۱).

۲-۴. قبض و بسط نفس و توانایی‌های ماورای طبیعی

مسئله قبض و بسط نفس از مباحث عمیق و پیچیده در عرفان اسلامی است. نفس ناطقه میراثی گرانبها در جستجوی کمال فراتر از ماده و زمان است که در آن نفس نه تنها به علم و دانش می‌رسد، بلکه به قدرتی که جهان مادی را به اراده خود شکل دهد و حتی از محدودیت‌های آن فراتر رود، دروازه‌ای به سوی فهم عمیق‌تری از مفهوم طی الارض و قدرت‌های ماورای طبیعی که نفس کامله می‌تواند به آن دست یابد.

۱-۲-۴. عبدالرحمن جامی (۸۱۷ ق)

وی معتقد است نفس ناطقه در ابتدا به صورت بالقوه حامل تمامی اسمای الهی است، اما بالفعل تمامی این اسمای در او ظاهر نمی‌شوند. وقتی انسان به مرحله‌ای از کمال می‌رسد

که می‌تواند صفات الهی را در خود ظاهر کند، تمامی آثاری که بر خداوند مترتب است، به صورت ظلی و تبعی در او ظاهر می‌شوند (جامی، ۱۳۵۸ هـ.ش، ص ۱۵۵). جامی در تشریح قدرت نفس کمال یافته بیان می‌کند همان‌طور که شخص می‌تواند تصمیم بگیرد در مقابل آینه قرار گیرد و تصویر خود را ببیند یا از آن روی برگرداند، نفس نیز می‌تواند تصمیم بگیرد در عالم ملک و شهادت تجلی کند یا نکند. این توضیح نشان می‌دهد نفس کامله (روح تکامل یافته) می‌تواند بدون محدودیت زمانی و مکانی بدن خود را در مکان‌های مختلف آشکار کند. باور جامی بر این است که طی الارض یکی از کراماتی است که در آن نفس کامله توانایی دارد بدون محدودیت زمانی و مکانی تجلی بدن خود را در مکان‌های مختلف آشکار سازد. این توانایی‌ها نشان‌دهنده سطح بالایی از کمال معنوی انسان و نمایان‌کننده قدرت ولایت و احاطه کامل نفس بر بدن است (جامی، ۱۳۵۸ هـ.ش، ص ۱۵۶).

۲-۲-۴. غروی اصفهانی (آقا نجفی) (۱۲۵۶ ق)

او در اشارات ایمانیه طی الارض را حرکتی آنی و سریع در زمین و از شئون ولایت و فراتر از طبیعت بشری می‌داند و تأکید می‌کند این امر به اذن الهی صورت می‌گیرد. «عارف در این سیر معنوی از مغرب ملک (جهان مادی) به مشرق ملکوت (جهان معنوی) به امر و اجازه حق رفع حجاب کرده و ملکوت عالم برایش آشکار می‌شود. بنابراین قدرت سلطه بر جهان هستی برایش میسر شده، توان طی الارض با اسم اعظم ولایت کلیه بر امور طبیعی غالب می‌گردد»^۶ (غروی اصفهانی، ۱۳۸۸ هـ.ش، ص ۷۸).

۳-۴. ولایت و تصرف در جهان هستی

عارف با رسیدن به مقامات معنوی و دستیابی به قدرت‌های فوق‌العاده‌ای مانند طی الارض، می‌تواند در جهان هستی به عنوان مظهري از رحمت و عدالت الهی عمل کند. این مفهوم

نشان دهنده قدرت و ولایت عارف در جهان هستی است و به عارف اجازه می دهد با اقتدار و مسئولیت به ایفای نقش پردازد. این مسیر نه تنها برای عارف، بلکه برای کل جهان هستی موجب رشد و تعالی می شود و به تحقق هدف والای خلقت کمک می کند.^۷

۳-۱. محمد علی شاه آبادی

او در رشحات البحار که مجموعه ای از مقالات و نوشته های عرفانی است، به موضوعات مختلفی از جمله تهذیب نفس و تصرفات برزخی می پردازد. وی طی الارض را قدرتی ولوی و از جمله تصرفات برزخی معرفی می کند که بر اثر تهذیب نفس و مراقبات مکرر و صادقانه حاصل می شود. این تصرفات و قدرت های خاص زمانی برای عارف الی الله ممکن می شود که او با پاکی و تزکیه نفس به نوعی قابلیت کنده شدن و پوشیدن که به اصول «خلع و لبس» معروف است، بر حسب شکل های ملکوتی دست یابد. در نگاه شاه آبادی، ریاضت های خالصانه به عارف کمک می کنند نفس خود را از علایق دنیوی و موانع جسمانی جدا کند و به یک سطح بالاتر از وجود برزخی و ملکوتی دست یابد. بنابراین شاه آبادی با تأکید بر تهذیب نفس و مراقبت های صادقانه، طی الارض را نمودی از تصرفات برزخی و نشان دهنده قدرت و تسلط عارف بر نفس و وجود ملکوتی می داند (شاه آبادی و ویسی، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۳۰۶).

۳-۲. سید روح الله موسوی خمینی

امام خمینی از نقش تجلیات اسمای الهی و پیدایی قدرت تصرف بر خود و جهان هستی سخن می گوید. وی بیان می کند وقتی عبد سالک در مسیر خداوند قدم برمی دارد و از دنیای طبیعت و مادی فاصله می گیرد، به سوی خداوند مهاجرت می کند. این سفر معنوی همراه با جذبات عشقی و سری است که از ازل وجود داشته است و باعث می شوند که تعینات و خصوصیات نفسانی فرد تحت تأثیر نور و آتش الهی از بین بروند. به عبارت دیگر

در این مرحله از سیر و سلوک، نفسانیت فرد تحت تأثیر نیروهای الهی تضعیف می‌شود و از ویژگی‌های دنیوی خود فاصله می‌گیرد. وی در ادامه توضیح می‌دهد این مرحله باطن ربوبیت، همان کنه (حقیقت) عبودیت است که در فرد ظاهر می‌شود و عبودیت به باطن او تبدیل می‌شود. این امر نشان‌دهنده تعمیق و تکامل معنوی فرد در مسیر خداوند است. این مرحله از سلوک، اولین مرحله از ولایت است. امام خمینی بیان می‌کند اولیاء الله در این مقام و مقامات دیگر بسته به اسمای الهی که بر آنها تجلی می‌کند، متفاوت هستند. به عبارت دیگر تفاوت در مقامات معنوی و ولایی افراد به واسطه تفاوت در تجلیات اسمای الهی بر آنهاست (خمینی، ۱۴۱۰هـ، ج ۱، ص ۴۰ - ۳۹).

امام خمینی طی الارض را با دیدی هستی‌شناسانه و از باب نحوه تجلی اسمای الهی که بر اساس روایات شیعی استوار است، بر شالوده نظریه ظهور و بطون اسمای الهی و قبض برخی اسما و بسط اسمی دیگر در مکانی دیگر طرح می‌کند و ضمن تفسیر، نظریه ایجاد و اعدام ابن عربی درباره طی الارض را نیز شرح می‌دهد. افعال کاملان معرفت همان افعال خداوندی به شمار می‌رود و مانند فعل الهی برتر از زمان و مکان است و تحت سلطه زمان و مکان نخواهد بود و با تأکید بر اینکه عالم هستی در برابر انسان کامل که از اسم اعظم بهره‌مند است، متواضع می‌باشند و خود را تحت ولایت او می‌دانند و هر تصرفی را از سمت او می‌پذیرند. بنابراین تمام جهان هستی زیر سیطره اوست و این فرایند درباره مکان به شکل پیچیده شدن و درباره زمان به صورت بسط زمان محقق گردیده است (خمینی، ۱۴۱۰هـ، ج ۱، ص ۶ - ۱۶).

۳-۳-۴. علامه حسن زاده آملی

ایشان تطبیق و هماهنگی بین عوالم مختلف هستی را به طور عمیق مورد بررسی قرار داده است (حسن زاده آملی، ۱۳۸۱هـ.ش، ج ۵، ص ۲۹۴). وی با استناد به حدیثی از امام

صادق (ع)، به توضیح چگونگی ایجاد ارتباط بین جهان های مختلف پرداخته است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَ مَلَكَةً عَلَى مِثَالِ مَلَكُوتِهِ، وَأَسَّسَ مَلَكُوتَهُ عَلَى مِثَالِ جِبْرُوتِهِ؛ لِيَسْتَدِلَّ بِمَلَكَةٍ عَلَى مَلَكُوتِهِ وَبِمَلَكُوتِهِ عَلَى جِبْرُوتِهِ». بر این پایه که خداوند، جهان مادی (ملک) را بر اساس نمونه ای از جهان ملکوتی خلق کرده و جهان ملکوتی را نیز بر اساس نمونه ای از جهان جبروتی بنا نهاده است. به این ترتیب انسان قادر خواهد بود از طریق جهان مادی به جهان ملکوتی و از طریق جهان ملکوتی به جهان جبروتی پی ببرد (حسن زاده آملی، ۱۳۸۱ هـ. ش، ج ۵، ص ۳۰۸).

وی با بیان یکی از تجارب شخصی خود، کرامتی که در عالم رؤیا به دست آورده است شرح می دهد و بر اهمیت ولایت تکوینی تأکید می کند. او معتقد است تصرف در عالم هستی، به واسطه تکیه عارف بر ولایت تکوینی برآمده از ولایت حق است. بنابراین انسان می تواند از طریق درک و شناخت عوالم مادی و ملکوتی، به مراتب بالاتر وجودی و قدرت های فراطبیعی دست یابد. این توانایی ها و کرامات، نتیجه تسلط بر نفس و دستیابی به نفس قدسی است که از طریق ولایت تکوینی و قرب الهی حاصل می شود. در آثار منظوم علامه، به اثر ملکوتی اسم حق در فتح باب قدرت فراطبیعی فراوان تأکید شده است. این دیدگاه به خوبی نشان دهنده اهمیت و تأثیر عوالم ملکوتی بر توانایی های فراطبیعی انسان است.

در آن حد سزاوار مقامت	رساند حق تعالی هم سلامت
مقام کن به بسم الله یابی	به هر سو رو نماید فتح بابی
به طی الارض اندر طرفه العین	به بینی اینکه من این الی این
و یا با اینکه در جایث مقیمی	چو آصف آوری عرش عظیمی
به بسم الله که اذن الله فعلی است	تو را فیض مقدس در تجلی است

۴-۳-۴. علامه سید محمد حسین طباطبایی

علامه طباطبایی در المیزان فی تفسیر القرآن درباره ارتباط بین کمالات روحانی و توانایی های خاص اشاراتی دارد. وی به توضیح قدرت شهود نفس می پردازد و بیان می کند چگونه انسان می تواند با استفاده از این قدرت به درک مستقیم حقایق و واقعیت ها برسد. وی به مباحث مربوط به قوای روحانی و توانایی های فوق العاده انسان مانند طی الارض پرداخته است (طباطبایی، ۱۳۷۴ ه.ش، ج ۶، ص ۲۶۶).

۴-۳-۵. مرتضی مطهری

بر اساس دیدگاه شهید مطهری، انسان با پاک کردن خود از آلودگی های ظاهری و باطنی و تمرکز بر عبادت خالصانه، می تواند به طهارت نفس دست یابد. این امر به معنای از بین بردن هرگونه علاقه و وابستگی به مادیات و دنیای فانی است. عبودیت به معنای تسلیم کامل در برابر اراده و خواست خداوند و اولین گام به سوی دستیابی به ولایت محسوب می شود. مطهری معتقد است رسیدن به مقام ربوبیت مراحل گوناگونی دارد که باید به ترتیب طی شود. انسان در این مسیر ابتدا باید مالک نفس خویش شود که به معنای تسلط کامل بر نفس، خواسته ها و اراده های خود است. عارف در این مرحله با فانی شدن در حق تعالی به جایگاهی می رسد که هیچ خودی برای او نمی ماند و به درکی عمیق و واقعی از وحدانیت خداوند می رسد و با تمام وجود این وحدت را تجربه می کند. با رسیدن سالک به مقام مالکیت نفس و ربوبیت، تسلط بر محیط اطراف، تصرفات خارق العاده ای مانند طی الارض یا شناخت وقایع آینده ...، که نشان از قدرت روحانی و معنوی عارف و استقلال کامل از وابستگی های مادی است، ظهور می کند (مطهری، ۱۳۷۷ ه.ش، ص ۴۹۴).

۴-۳-۶. محمد تقی فومنی (بهجت)

آیت الله بهجت با نگاهی عمیق و واقع گرایانه به موضوع طی الارض و دیگر مقامات عرفانی می نگریست. وی در برخی از سخنان و نوشته هایش غیر مستقیم به این مفهوم اشاره می کند و به سلوک روحانی و دستاوردهایی که می تواند از آن حاصل شود، می پردازد. او باور داشت مقامات نتیجه طبیعی تزکیه نفس و تقوا هستند؛ اما نباید هدف نهایی سالک باشند. هدف نهایی همواره باید رسیدن به قرب الهی و رضایت خداوند باشد (رخشاد، ۱۳۹۴ ه. ش، ص ۴۳).

۴-۳-۷. عبدالله جوادی آملی

ایشان در آثار خود به مباحث مقامات روحانی و توانایی هایی که انسان سالک عابد می تواند با تزکیه نفس و عبادت به آن دست یابد، پرداخته است. وی در تسنیم بیان می کند: «انسان موجودی ممکن است و هر موجود ممکن در همه شئون خود به واجب الوجود (خداوند) منتهی می گردد. پس هر کار خیری که از انسان صادر می شود، اصل و مبدأ آن خداوند است». بنابراین سالک عابد به مقامی می رسد که هر چند ادراک و تحرک از اوست، اما اعمال و ادراکات عارف به واسطه الهی شکل گرفته و خداوند کارهای علمی و عملی او را به عهده می گیرد. این مقام نشان دهنده ارتباط عمیق انسان با خداوند و تأثیر مستقیم الهی در زندگی اوست؛ از این رو انسان سالک در پرتو آن توان خرق عادت را دریافته (جوادی آملی (الف)، ۱۳۶۹ ه. ش، ج ۱، ص ۱۱) و کسانی که به تسلیم کامل در برابر خدا و تهذیب نفس می رسند، گاه به توانایی هایی مانند طی الارض نیز دست می یابند (جوادی آملی (ب)، ۱۳۶۹ ه. ش، ج ۱، ص ۳۰۸).

سنت‌های عملی در دستیابی به طی‌الارض

در دیدگاه‌های صوفیانه، لازمهٔ رسیدن به توانایی‌های روحانی مانند طی‌الارض، طی مراحل مختلفی از تزکیه نفس، ریاضت‌های روحانی و ذکر است. اصول کلی شامل موارد زیر است:

۱. تزکیه نفس: پاک کردن نفس از امیال دنیوی و زواید که اولین گام در سیروسلوک است.
۲. ذکر و مراقبه: ذکر قلبی و لسانی یکی از روش‌های اصلی رسیدن به کمال روحانی است. ذکر فراوان و مراقبه مداوم می‌تواند باعث خلوص قلب و تسلط بر نفس شود و به عرفان و نزدیکی به خدا کمک می‌کند.

۳. اخلاص نیت: داشتن نیت خالص و ترک هرگونه خودپسندی و خواسته‌های نفسانی.

۴. پیر و مرشد: داشتن استاد و مرشدی که راهنما و راهگشا باشد.

۵. ریاضت‌های روحانی: روزه، نمازهای نافله و دیگر اعمال عبادی می‌توانند موجب تقویت روح و دستیابی به توانایی‌های فوق طبیعی شوند.

۶. خلوت: خلوت نشینی یا چله نشینی یکی از سنت‌های مورد استفاده صوفیان است که با گذراندن زمان در تنهایی و تفکر به تهذیب نفس و قرب الهی دست می‌یابند.

۷. تواضع و خدمت به خلق: توجه به مسائل مردم و تلاش در گشایش امور و راهنمایی افراد در طی طریقت محمدی و تبعیت از اهل بیت (ع) و اولیای الهی و بی‌توجهی به کرامات و اظهار قدرت‌های فراطبیعی از اصلی‌ترین قوانینی است که رهروان سلوک عرفان ناب محمدی (ص) بدان پایبند هستند.

نتیجه

موضوع طی‌الارض در متون قرآنی و روایات متعدد آمده است. قرآن به ماجرای نقل تخت بلقیس به دست کسی اشاره می‌کند که دانشی از کتاب دارد؛ در روایات نیز حکایت‌هایی از توانایی‌های ائمه (ع) دربارهٔ طی‌الارض ذکر شده است. این منابع می‌توانند به درک بهتر این

مفهوم کمک کنند که نشان دهنده قدرت و توانایی های خدادادی برخی از انسان های کامل است. طی الارض یکی از موضوعات جذاب و پیچیده در عرفان اسلامی و نشان از عمق و گستردگی قدرت های روحانی عارفان است. این پدیده نه تنها در متون عرفانی که در داستان ها و حکایات مردمی نیز جایگاه ویژه ای دارد و همواره در جایگاه یکی از نشانه های کرامات و قدرت های معنوی افراد مورد توجه بوده است. عارفان و فیلسوفان اسلامی درباره طی الارض دیدگاه های مختلفی ارائه کرده اند؛ برخی این پدیده را ناشی از قدرت های ذهنی و روحی فرد می دانند و معتقدند این قدرت ها از طریق تمرین های معنوی و ریاضت های روحی به دست می آیند. دیگرانی آن را نشانه ای از ارتباط مستقیم با عالم غیب و قدرت های الهی تفسیر می کنند. این مفهوم در تصوف، نمادی از قدرت های معنوی و اسمای الهی در نظر گرفته می شود که در وجود عارف تجلی می یابد و به او امکان می دهند درک عمیق تری از حقیقت وجودی خود و جهان هستی به دست آورد. اسمای الهی که در سفر الی الله نقش کلیدی دارند، به عارف کمک می کنند حقایق متعالی را درک کند و در نهایت به مقامات عرفانی برسد. این تجربه معنوی می تواند شامل مشاهده و شهود حقایقی باشد که فراتر از حدود طبیعی و مادی هستند و به عارف اجازه می دهند با تجلیات مختلف خداوند روبرو شود؛ این تجلیات بسته به مقام و رتبه ای که فرد در حضور الهی دارد، متفاوت است. فیلسوفان و عارفان بزرگ جهان اسلام مانند ابن سینا، سهروردی، ملاصدرا، ابن عربی، قیصری، سید حیدر عاملی، جامی، روزبهان بقلی، آقانجفی و ... در آثار خود به موضوع طی الارض و کرامات پرداخته اند. این منابع معتبر می توانند به درک بهتر از این پدیده و تحلیل های فلسفی عرفانی مرتبط با آن کمک کنند. عارفان معاصر نیز مانند شاه آبادی، امام خمینی، علامه طباطبایی، شهید مطهری، آیت الله بهجت، آیت الله جوادی آملی و علامه حسن زاده آملی در آثار خود به موضوع طی الارض پرداخته اند و آن را یکی از توانایی های نفسانی انسان های کامل و اولیای الهی تفسیر کرده اند.

سالک الی الله در طی الارض و پیچیده شدن زمین در زیر گام هایش قادر است محدودیت های زمانی و مکانی را درهم شکند و به مقامات بالای معنوی دست یابد. این توانایی ها بیان کننده مرحله ای از ولایت و سلطه بر نفس و جهان هستی هستند. این توانایی نه تنها در مسائل فردی، بلکه در سطح جامعه و جهان نیز خود را آشکار می کند. عارف در این مسیر، در جایگاه یک راهنما و الهام بخش برای دیگران عمل می کند و به آنها کمک می کند به مراتب بالاتری از آگاهی و کمال برسند. طی الارض در جایگاه یک مفهوم متافیزیکی، موضوعی جذاب و بحث برانگیز برای تحقیقات علمی در زمینه هایی مانند تلپورتیشن کوانتومی و ارتباطات فرازمانی عمل کرده است. این تحقیقات ممکن است روزی به کشفیاتی منجر شوند که مرزهای دانش ما را گسترش دهند و به ما امکان دهند جهان را از منظری جدید ببینیم. در نهایت طی الارض نه تنها پدیده ای مذهبی و فلسفی است، بلکه الهام بخشی است که به تحقیقات علمی نیز کمک می کند و به ما یادآوری می کند هنوز بسیاری از اسرار جهان برای کشف شدن باقی مانده اند. در پایان پیشنهاد می شود طی الارض در ادیان و عرفان های دیگر بررسی و مقایسه شود.

موضوع	روایات اسلامی	تفاسیر قرآنی	دیدگاه های عارفان	دیدگاه های فیلسوفان
تعریف طی الارض	حکایت های متعدد از توانایی های فراطبیعی ائمه (ع) در زمینه طی الارض	نقل تخت بلقیس از سوی کسی که دانشی از کتاب داشت (نمل ۲۷، ۴۰)	انتقال سریع و فراطبیعی به واسطه ارتباط عمیق با عالم ملکوت و تسلط بر نفس	انتقال سریع و فراطبیعی از یک مکان به مکان دیگر، تسلط روح بر ماده
مبانی فلسفی	ماجرای امام علی (ع) و پیمودن فاصله های زیاد در کوتاه ترین زمان ممکن	قدرت انسان هایی که دارای علم کتاب و قادر به انجام کارهایی مانند طی الارض هستند	ارتباط عمیق با عالم ملکوت و تسلط بر نفس به عنوان مبنای طی الارض	تسلط روح بر ماده و امکان پذیری انتقال سریع به واسطه قدرت های فراطبیعی

طی الارض از منظر دین و عرفان / ۳۳

مبانی عرفانی	حدیث امام صادق (ع) درباره پیمودن فاصله عظیم در یک شب به وسیله طی الارض	ارتباط عمیق با عالم ملکوت و تسلط روح بر ماده به واسطه علم و ایمان	تسلیم اراده حق تعالی، عبادت، مراقبات نفسانی و خشوع و تجلی اسمای الهی، همنشینی با اولیاء الله	تسلط بر نفس و رسیدن به کمال معنوی به عنوان شرط لازم برای طی الارض
روش های دستیابی	بهره گیری از تجربه های اولیاء الله و عارفان و پیروی از دستورهای دینی و معنوی	انجام اعمال صالح، ترک گناهان، توجه به واجبات دینی و تقویت ایمان	تزکیه نفس، ذکر و عبادت، ریاضت های نفسانی، مطالعه متون دینی و عرفانی	پرورش معنوی و تسلط بر نفس از طریق تمرین های روحانی و فلسفی
نمونه های تاریخی	حکایت های متعدد از توانایی های فراطبیعی ائم (ع) در زمینه طی الارض	داستان نقل تخت بلقیس از سوی کسی که دانشی از کتاب داشت. حکایت خضر	حکایات عرفا و اولیاء الله که توانایی طی الارض داشته اند	اشاره به فیلسوفان و حکیمان که به توانایی های فراطبیعی دست یافته اند

پی نوشت ها

۱. اعلم أن الكرامة على قسمين حسية ومعنوية ولا تعرف العامة إلا الحسية مثل الكلام على الخاطر والأخبار بالمغيبات الآتية والأخذ من الكون (تصرف در طبیعت) والمشيء على الماء واختراق الهواء وطي الأرض والاحتجاب عن الأبصار وإجابة الدعوة في الحال ونحو ذلك، فهذا عند العامة هو الولي.

۲. اعلم أيديك الله أن الكرامة من الحق من اسمه البر ولا تكون إلا للأبرار من عباده جزاءً وفقاً فإن المناسبة تطلبها وإن لم يقم طلب ممن ظهرت عليه وهي على قسمين حسية ومعنوية (و أما): الكرامة المعنوية فهي التي بين الخواص من أهل الله تعالى وأجلها وأشرها أن يحفظ الله على العبد آداب الشريعة فيوفق لفعل مكارم الأخلاق واجتناب سفاسفها وأن يحافظ على أداء الواجبات والسنن في أوقاتها مطلقاً والمصارعة إلى الخيرات وإزالة الغل والحدود

الحسد و طهارة القلب من كل صفة مذمومة و تحليلته بالمراقبة مع الأنفاس و مراعاة حقوق الله تعالى في نفسه و في الأشياء و مراعاة أنفاسه في دخولها و خروجها فيتلقاها بالأدب و يخرجها و عليها حلة الحضور مع الله تعالى لأنها رسل الله إليه فترجع شاكرة من صنيعه معها.

٣. ان للعارفين مقامات و درجات يخصصون بها وهم في حياتهم الدنيا، دون غيرهم، فكانهم وهم في جلايب من ابدانهم، قدنضوها (به معنای "آنان، آن ها را از تن درآورده اند" است. در این زمینه، اشاره دارد به این که عارفان به گونه ای از جسمانیت و تعلقات دنیوی خود فاصله گرفته اند، گویی لباس های جسمانی خود را کنار گذاشته اند.) و تجردوا عنها، الى عالم القدس، ولهم امور خفيه فيهم، وامور ظاهره عنهم.

٤. عند العارف رياضه ما، لهممه و قوى نفسه المتوهمه والمتخيله، ليجرها بالتعويد عن جناب الغرور، الى جناب الحق، فتصير مسالمه للسر الباطن، حينما يستجلى الحق لا تنازعه.

٥. هذه اسباباً في اسرار الطبيعه... هذه القوه ربما كانت للنفس بحسب المزاج الاصلی، الذي يفیده من هيئته نفسانيه، يصير للنفس الشخصيه تشخصها، وقد تحصل بضرب من الكسب، يجعل النفس كالمجردة، لشده الذكاء كما يحصل لاولياء الله الابرار.

٦. إن المراد منه السير المعنوي، إذ طي الأرض من المعجزات المخصوصة بالمعصومين، إذ هو من شئون الولاية و يمتنع حصوله من الطبيعه؛ نعم، ربما يحصل من بعض الأولياء و شيعتهم إذا كان ذلك بأمرهم و إذنهم و إمضائهم،... و السر في ذلك أن مرتبة الولاية محيطة بالممكنات، و ولايتهم ولاية الله،... و السير منه إليه كناية عن ارتفاع حجاب الجسم من عينه و غلبة الملكوتية عليه بحيث يلوح منه.

٧. بعض لوازم الملكوت؛ فلا بعد في ظهور طي الأرض من هذا السالك من جهة غلبة ملكوتيته على طبيعته ببركة التخليه و التجليه باسم الله الأعظم الذي هو ولاية ذوي الولاية الكلية.

کتاب نامه

قرآن کریم

ابن عربی، محیی الدین. (۱۳۵۶ هـ). فصوص الحکم ابن عربی. تعلیقات ابوالعلاء عقیفی. قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.

- _____ (۱۳۷۰ ه.ش). تفسیر ابن عربی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- _____ [بی تا]. الفتوحات المکیه. چ ۱. بیروت: دار الصادر.
- ابن منظور انصاری، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ه.ش). لسان العرب. چ ۳. بیروت: دار صادر.
- امام علی بن ابی طالب (ع). (۱۳۷۹ ه.ش). نهج البلاغه. گردآوری؛ سید رضی. ترجمه؛ محمد دشتی. قم: مشرقین.
- آملی، سید حیدر. (۱۴۲۶ ه.ش). المقدمات من کتاب نص النصوص. [بی جا]: مؤسسه التاریخ العربی.
- بحرانی، السید هاشم. [بی تا]. مدینه المعاجز الاثمه الاثنی عشر ودلائل الحجج علی البشر. بیروت: مؤسسة المعارف الاسلامیه.
- بقلی شیرازی، روزبهان. (۱۴۲۸ ه.ش). المصباح فی مکاشفه بعث الأرواح. چ ۱. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- جامی، عبدالرحمن. (۱۳۵۸ ه.ش). الدرر الفاخره فی تحقیق مذهب الصوفیه. محقق/ مصحح: نیکولا هیر و علی موسوی بهبهانی. چ ۱. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۱ ه.ش). دانشنامه امام جواد (ع). تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۳۷۰ ه.ش). دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۶۹ الف). کرامت در قرآن. چ ۳. قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- _____ (۱۳۶۹ ب). ولایت در قرآن. چ ۳. پڑمان: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ه.ش). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: انتشارات آل البیت (ع).
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۶۲ ه.ش). رساله وحدت از دیدگاه عارف و حکیم. قم: چاپ و نشر علامه طباطبائی با همکاری وزارت ارشاد اسلامی.
- _____ (۱۳۸۱ ه.ش). هزارویک کلمه. چ ۳، قم: بوستان کتاب.
- حسینی طهرانی، سید محمد حسین. (۱۴۲۳ ه.ش). معادشناسی. چ ۱۱. مشهد: ملکوت نور قرآن.
- خمینی، سید روح الله. (۱۳۹۱ ه.ش). ترجمه و شرح دعای سحر. ترجمه: سید احمد فهری. چ ۳. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ (۱۴۱۰ ه.ش). تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس. چ ۲. قم: مؤسسه پاسدار اسلام دفتر تبلیغات اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۸ ه.ش). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران.

- رخشاد، محمد حسین. (۱۳۹۴ ه.ش). در محضر بهجت: نکته‌ها و توصیه‌ها. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- سهروردی، شهاب‌الدین یحیی. (۱۳۷۵ ه.ش). رسائل شیخ اشراق. مصحح: هانری کربن، سید حسین نصر و نجفقلی حبیبی. چ ۲. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- _____. (۱۳۸۰ ه.ش). مجموعه مصنفات شیخ اشراق. تصحیح: هانری کربن و نجفقلی حبیبی. چ ۳. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شاذلی، عبدالقادر. (۱۴۳۱ ه.ش). الکوکب الزاهره فی اجتماع الأولیاء یقطه بسید الدنیا والآخره (ص). چ ۱. قاهره: مكتبة الثقافة الدينية.
- شاه‌آبادی، محمدعلی؛ و زاهد ویسی. (۱۳۸۶ ه.ش). رشحات البحار. چ ۱. تهران: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- الشعرانی، عبدالوهاب. (۱۴۱۸ ه.ش). الیواقیت والجواهر فی بیان عقائد الأكابر. چ ۱. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- شیخ صدوق، ابن بابویه قمی. (۱۳۹۵ ه.ش). کمال‌الدین و تمام‌النعمه. محقق: علی‌اکبر غفاری. چ ۲. تهران: ناشر اسلامی.
- صدرالمآلهین شیرازی، محمدابراهیم. (۱۳۶۸ ه.ش). الحکمة المتعالیه فی الاسفار الاربعه. قم: انتشارات مصطفوی.
- _____. (۱۳۸۱ ه.ش). رساله سه اصل. تصحیح: سید حسین نصر. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴ ه.ش). ترجمه تفسیر المیزان، چ ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- غروی اصفهانی، محمد تقی (آقاجفی). (۱۳۸۸ ه.ش). اشارات ایمانیه. مصحح: مهدی رضوی. چ ۱. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد. (۱۳۷۵ ه.ش). روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط-القدیمیة). قم: انتشارات رضی.
- القمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ ه.ش). تفسیر القمی. محقق/ مصحح: طیب موسوی جزایری. چ ۳. قم: دار الکتاب.

- قمی، قاضی سعید. (۱۳۳۹ هـ). اسرار العبادات و حقیقه الصلوه. مصحح: سید محمد باقر سبزواری. چ ۱. تهران: دانشگاه تهران.
- قیصری، داوود. (۱۳۸۱ هـ.ش). رسائل قیصری، رساله فی التوحید والنبوه والولایه. تصحیح: سید جلال الدین آشتیانی. چ ۲. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- کلینی رازی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ هـ). الکافی. مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. چ ۴. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴ هـ). بحار الانوار. ج ۴. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۷۷ هـ.ش). میزان الحکمه. ترجمه: حمید رضا شیخی. قم: دار الحدیث.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۷ هـ.ش). مجموعه آثار شهید مطهری. چ ۸. تهران: صدرا.
- ملکشاهی، حسن. (۱۳۹۲ هـ.ش). ترجمه و شرح اشارات و تنبیهات ابن سینا. تهران: سروش.
- ملکی تبریزی، میرزا جواد آقا. (۱۳۸۵ هـ.ش). رساله لقاء الله. محقق: صادق حسن زاده. چ ۷. قم: آل علی (ع).
- نعمت الله ولی کرمانی، میرسید نورالدین. (۱۳۸۰ هـ.ش). دیوان کامل شاه نعمت الله ولی کرمانی. مصحح: عباس خیاط زاده. چ ۱. [بی جا]: خانقاه نعمت اللهی.

References

The Noble Quran.

- Āmulī, Sayyid Haidar. 1426 AH. *Al-Muqaddimāt min kitāb naṣṣ al-naṣūṣ*. N.p.: Mu'assasat al-Tārīkh al-'Arabī.
- Bahrānī, al-Sayyid Hāshim. n.d. *Madīnat al-ma'ājiz al-āmma al-ithnā 'ashar wa dalā'il al-ḥujaj 'alā al-bashar*. Beirut: Mūassasa al-Ma'ārif al-Islāmiyya.
- Baqalī Shīrāzī, Rūzbehān. 1428 AH. *Al-Miṣbāḥ fī mukāshafat ba'th al-arwāḥ*. 1st ed. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya.
- Dehkhoda, Ali Akbar. 1388 Sh. *Lughatnāmih*. Tehran: University of Tehran.
- Fattāl al-Nayshābūrī, Muḥammad b. Aḥmad al-. 1375 AH. *Rawḍat al-wā'izīn wa-baṣīrat al-mutta'izīn*. Qom: Raḍī.
- Gharawī al-Isfahānī, Muḥammad Taqī (Āqā Najafī). 1388 Sh. *Ishārāt 'Imāniyya*. Edited by Mahdi Razavi. 1st ed. Tehran: Society for the National Heritage of Iran.

- Group of authors. 1370 Sh. *Dānishnāmih-yi jahān-i Islām*. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation.
- Group of authors. 1381 Sh. *Dānishnāmih-yi Imām Jawād*. Tehran: Daftar Intishārāt Islāmī.
- Hasanzadeh Amoli, Hasan. 1362 Sh. *Risālih-yi vaḥdat az dīdgāh-i ‘arīf va ḥakīm*. Qom: Allameh Tabatabai Publication and Ministry of Islamic Guidance.
- Hasanzadeh Amoli, Hasan. 1381 Sh. *Hizār va yik kalamih*. 3rd ed. Qom: Būstān-i Kitān.
- Hosseini Tehrani, Seyyed Mohammad Hossein. 1423 AH. *Ma‘ādshināsī*. 11th ed. Mashhad: Malakūt-i Nūr-i Qur‘ān.
- Ḥurr al-‘Āmilī, Muḥammad b. Ḥasan al-. 1409 AH. *Wasā’il al-Shī‘a ilā taḥṣīl masā’il al-sharī‘a*. Qom: Intishārāt Āl al-Bayt.
- Ibn ‘Arabi, Muḥyī al-Dīn. 1356 AH. *Fasūṣ al-ḥikam*. Edited by Abū al-‘Alā ‘Afīfī. Cairo: Dār Iḥyā’ al-Kutub al-‘Arabiyya.
- Ibn ‘Arabi, Muḥyī al-Dīn. 1370 Sh. *Tafsīr Ibn ‘Arabī*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya.
- Ibn ‘Arabi, Muḥyī al-Dīn. n.d. *Al-Futūḥāt al-Makkiyya*. 1st ed. Beirut: Dār al-Šādir.
- Ibn Manzūr al-Anṣārī, Muḥammad b. Mukarram. 1414 AH. *Lisān al-‘Arab*. 3rd ed. Beirut: Dār Šādir.
- Imām ‘Alī b. Abī Ṭālib. 1379 Sh. *Nahj al-balāgha*. Compiled by al-Sayyid al-Raḍī. Translated by Mohammad Dashti. Qom: Mashrīqīn.
- Jāmī, ‘Abd al-Raḥmān. 1358 AH. *Al-Durra al-fākhira fī taḥqīq madhhab al-ṣūfīyya*. Edited by Nikola Hīr and ‘Alī Mūsawī Bahbahānī. 1st ed. Tehran: Mūassasa-yi Mutā‘āliyyāt-i Islāmī.
- Javādī Amoli, Abdollah. 1369a Sh. *Kirāmat dar Qur‘ān*. 3rd ed. Qom: Raja Cultural Publication Center.
- Javādī Amoli, Abdollah. 1369b Sh. *Wilāyat dar Qur‘ān*. 3rd ed. Qom: Raja Cultural Publication Center.
- Khomeini, Seyyed Ruhollah. 1391 Sh. *Tarjumih va sharḥ-i du‘āyi saḥar*. Translated by Seyyed Ahmad Fehri. 3rd ed. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini’s Works.

- Khomeini, Seyyed Ruhollah. 1410 AH. *Ta'liqāt 'alā sharḥ fuṣūṣ al-ḥikam wa-miṣbāḥ al-uns*. 2nd ed. Qom: Pasdar-e Eslam Institute, Islamic Propagation Office.
- Kulaynī, Muḥammad b. Ya'qūb al-. 1407 AH. *Al-Kāfī*. Edited by Ali Akbar Ghaffari and Mohammad Akhundi. 4th ed. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir al-. 1404 AH. *Bihār al-anwār*. Vol. 4. Beirut: Mu'assasat al-Wafā'.
- Maleki Tabrizi, Mirza Javad Agha. 1385 Sh. *Risāla liqā' Allāh*. Edited by Sadegh Hassanzadeh. 7th ed. Qom: Al-e Ali.
- Malekshahi, Hasan. 1392 Sh. *Tarjumih va sharḥ-i ishārāt wa tanbīhāt-i Ibn Sīnā*. Tehran: Soroush.
- Mohammadi Reyshahri, Mohammad. 1377 Sh. *Mizān al-ḥikma*. Translated by Hamidreza Sheikhi. Qom: Dār al-Ḥadīth.
- Motahari, Morteza. 1377 Sh. *Majmū'ih āthār-i Shahīd Motahari*. 8th ed. Tehran: Sadra.
- Ni'mat Allāh Walī Kirmānī, Mīr Sayyid Nūr al-Dīn. 1380 Sh. *Dīwān-i kāmīl-i Shāh Ni'mat Allāh Walī Kirmānī*. Edited by Abbas Khayat-zadeh. 1st ed. N.p.: Khānqāh-i Ni'matullāhī.
- Qaysarī, Dāwūd al-. 1381 Sh. *Rasā'il Qaysarī, risāla fī al-tawḥīd wa-l-nubūwa wa-l-wilāya*. Edited by Seyed Jalaloddin Ashtiani. 2nd ed. Tehran: Iranian Research Institute of Philosophy.
- Qummī, 'Alī b. Ibrāhīm al-. 1404 AH. *Tafsīr al-Qummī*. Edited by Tayyib Mūsawī Jazā'irī. 3rd ed. Qom: Dār al-Kitāb.
- Qummī, Qāḍī Sa'īd al-. 1339 AH. *Asrār al-'ibādāt wa-ḥaqīqat al-ṣalāt*. Edited by Sayyid Muḥammad Bāqir Sabzawārī. 1st ed. Tehran: University of Tehran.
- Rokhshad, Mohammad Hossein. 1394 Sh. *Dar maḥḍar-i Bahjat: nuktiḥ-hā va tawṣiyih-hā*. Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute.
- Ṣadr al-Muḥtālīhīn al-Shīrāzī, Muḥammad Ibrāhīm. 1368 Sh. *Al-Ḥikmat al-muta'ālīya fī al-asfār al-arba'a*. Qom: Muṣṭafawī.
- Ṣadr al-Muḥtālīhīn al-Shīrāzī, Muḥammad Ibrāhīm. 1381 Sh. *Risāla-yi sīh-'asl*. Edited by Seyyed Hossein Nasr. Tehran: Sadra Islamic Philosophy Foundation.

- Shādhilī, ‘Abd al-Qādir. 1431 AH. *Al-Kawkab al-zāhira fī ijtīmā’ al-awliyā’ yaqza bi-sayyid al-dunyā wa-l-ākhirā*. 1st ed. Cairo: Maktabat al-Thaqāfa al-Dīniyya.
- Shahabadi, Mohammad Ali and Zahed Veisi. 1386 Sh. *Rashḥāt al-baḥār*. 1st ed. Tehran: Research Institute for Islamic Culture and Thought.
- Sha’rānī, ‘Abd al-Wahhāb al-. 1418 AH. *Al-Yawāqīt wa-l-jawāhir fī bayān ‘aqā’id al-akābir*. 1st ed. Beirut: Dār Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Shaykh al-Ṣadūq, Ibn Bābawayh al-Qummī al-. 1395 Sh. *Kamāl al-dīn wa-tamām al-ni’ma*. Edited by Ali Akbar Ghaffari. 2nd ed. Tehran: Islāmiyya.
- Suhrawardī, Shahāb al-Dīn Yaḥyā. 1375 AH. *Rasā’il Shaykh Ishrāq*. Edited by Henry Corbin, Seyyed Hossein Nasr, and Najafgholi Habibi. 2nd ed. Tehran: Institute for Cultural Studies and Research.
- Suhrawardī, Shahāb al-Dīn Yaḥyā. 1380 Sh. *Majmū’ih muṣannafāt-i Shaykh Ishrāq*. Edited by Henri Corbin and Najafgholi Habibi. 3rd ed. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Ṭabāṭabā’ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. 1374 Sh. *Tarjumih-yi tafsīr al-mīzān*. 5th ed. Qom: Islamic Publishing Office.